

به بهانه انتشار کتاب

زندگی نامه و سفرنامه دوست محمدخان معیر الممالک

۴۷۱

بخارا
سال سیام
شماره ۱۷۰
مهر - آبان
۱۴۰۴

اهمیت آشنایی با تاریخ معاصر بر ما پوشیده نیست و می دانیم که منابع منتشرشده در زمینه های تاریخی راهگشای مطالعات و پاسخ گوی پرسش های امروزی ما در زمینه های متفاوت تاریخی است. خوشبختانه از دوره قاجار به بعد منابع قابل توجه و متنوعی به جا مانده است که می توان آنها را به دسته بندی های زیر تقسیم کرد:

۱. کتاب ها و روزنامه های چاپ همان دوران، که معمولاً شامل مطالبی درباره اتفاقات جاری آن دوره هستند. هرچند این احتمال وجود دارد که این مطالب دقیقاً منطبق بر واقعیات نباشند و به سبب پاره ای ملاحظات یا سلیق شخصی نگارنده به صورتی که می بینیم به چاپ رسیده باشند.

۲. تصاویری که به دلیل ورود دوربین عکاسی در ایران، از دوره قاجار به بعد به جا مانده اند و به عنوان اسناد غیر قابل انکار اطلاعات ارزشمندی را در اختیار بیننده می گذارند.

۳. متون دست نویسی که بیشتر با هدف خاطره نویسی یا اسناد خصوصی به نگارش درآمده اند. البته به طور حتم تعداد زیادی از این دست نوشته ها که میان مجموعه ها و اسناد خانوادگی در میان بازماندگان دست بدست شده به دلیل کم علافگی یا بی علافگی و بی توجهی از میان رفته اند اما خوشبختانه این روزها شاهدیم که تعدادی از این دست نوشته ها هنوز به جا مانده و به عنوان اسنادی با ارزش از گنجینه ها به بیرون

درز کرده‌اند و با همت وارثان یا علاقمندان و به کمک ناشران در اختیار عموم قرار گرفته‌اند. این دست‌نوشته‌ها در قالب یادداشت‌های کوتاه و بلند معمولاً ارجاع به یک تاریخ یا روایت، شئی و یا یک تصویر دارند، و یا در قالب یک مجموعه مفصل‌تر، یعنی خاطره‌نویسی یا سفرنامه‌نویسی در دسترس هستند و از آنجا که این روزها با عناوین چاپ‌شده‌ای از این دست مطالب بیشتر از قبل روبرو هستیم شاید بتوان امروزه آنها را به عنوان یک دسته یا زمینه (ژانر) در نشر معاصر دنبال کرد.

در میان افرادی که در تاریخ معاصر همواره نامی از آنها به میان آمده است می‌توان از معیرالممالک‌ها نام برد. در تاریخ معاصر درباره پیشینه این خانواده آمده است: معیرالممالکی یا شغل خزانه‌داری دربار از اواسط دوره صفویه در خانواده دوستعلی خان نسل به نسل و از پدر به پسر منتقل شده بود. شخصیت‌های این خاندان که متناوباً با سه نام حسینعلی، دوستعلی و دوستمحمد نامیده می‌شدند، در ابتدا با عناوین «معیرباشی» و «معیربیک» خوانده می‌شدند. اما در اوایل سلطنت نادرشاه افشار این عناوین به لقب «معیرالممالک» تغییر یافت. معیرالممالک‌ها همواره به سبب موقعیت اجتماعی، اقتدار و نفوذ سیاسی و ثروت افسانه‌ای همیشه از رجال مطرح دوران خود بودند. علاوه بر این همواره از علاقه خاصی به هنر برخوردار بودند و به همین دلایل در اکثر کتاب‌هایی که در عهد قاجار، یا درباره این دوران به رشته تحریر درآمده، مطلبی هم درباره این خانواده آورده شده است. همچنین فرستادگان و سفرای کشورهای بیگانه که در سفرهای خود به ایران، با افراد خانواده معیرالممالک به عنوان افراد ممتاز و برجسته ایرانی ملاقات داشتند در سفرنامه‌های خود مطالبی درباره این خانواده آورده‌اند.

درباره این خاندان می‌توان گفت که معیرالممالک‌ها همواره در جهت پیشبرد فرهنگ و هنر ایران بسیار کوشیده‌اند و در شکوفائی هنر ایران در دو قرن اخیر تأثیری غیر قابل انکار دارند. از جمله اقدامات این خاندان می‌توان به موارد مهم تأسیس و ریاست مجمع‌الصنایع و نقاشی و کتاب‌آرایی کتاب هزار و یکشب اشاره کرد. مجمع‌الصنایع یا دارالصنایع را می‌توان نخستین دانشکده هنری ایران به شمار آورد. دارالصنایع به همت حسینعلی خان معیرالممالک پدر دوستعلی خان نظام‌الدوله در سال ۱۲۶۹ هجری قمری (۱۲۳۲ هجری شمسی / ۱۸۵۳ میلادی) تأسیس شد و حسینعلی خان شخصاً ریاست آن را بر عهده داشت. لازم به ذکر است که مدرسه دیگری به همین نام یعنی مجمع‌الصنایع چند سال پیش از آن و در زمان صدارت میرزا تقی‌خان امیرکبیر تأسیس شده بود که با مرگ امیرکبیر از فعالیت باز ماند. مجمع‌الصنایع اول به دلیل علاقه امیرکبیر به رشد صنعتی و سازندگی بیشتر یک آموزشگاه فنی و صنعتی به شمار می‌آمد تا یک مدرسه هنری اما پس از تأسیس و

راه اندازی مجمع صنایع توسط حسینعلی خان معیرالممالک، در این مرکز بیشتر توجه به مسائل هنری می‌شد. محمدحسن خان صنایع الدوله اعتمادالسلطنه در کتاب خود تاریخ منتظم ناصری درباره مجمع صنایع معیرالممالک اینگونه می‌نویسد:

«این اوقات (سنه ۱۲۶۹ هجری قمری) یک روز جناب صدراعظم و... و جمعی از امرا و صاحب منصبان بزرگ نظام به مجمع صنایع که حسب الامر حسینعلی خان معیرالممالک دایر نموده و انواع و اصناف صنعتگران قابل مملکت را در آنجا فراهم آورده بود رفته ارباب حرف را تشویق زیاد نموده و خواجه احمد ساعت ساز یزدی را که از مشاهیر صاحب صنعتان ایران است یکصد تومان اضافه مواجب دادند.»^(۱)

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب دیگرش المآثر و الآثار نیز ضمن اشاره به تأسیس مجمع صنایع از بعضی از رشته‌ها و فنونی که در آنجا آموزش داده می‌شده نام برده است و از اهمیت آموزش نقاشی در این مدرسه سخن گفته است. کتاب هزار و یکشب یا الف لیل و لیله مشهورترین اثر ادبیات داستانی قدیم، به دستور بهمن میرزا قاجار برادر محمدشاه قاجار به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۲۶۱ هجری قمری (۱۲۲۴ هجری شمسی / ۱۸۴۵ میلادی) در تبریز چاپ سنگی شد. محمدشاه قاجار تصمیم داشت تا نسخه‌ای نفیس از این کتاب برای کتابخانه سلطنتی تهیه کند اما این کار در دوران سلطنت وی به انجام نرسید و پس از وی ناصرالدین شاه فراهم آوردن نسخه‌ای درخور و هنری از آن کتاب را به عهده حسینعلی خان معیرالممالک گذارد. حسینعلی خان نیز انجام این کار را، تحت نظارت خود به دست زبده‌ترین نقاشان و تذهیب‌کاران و صحافان مستقر در دارالصنایع سپرد. در نتیجه با صرف هزینه بسیار و زمانی در حدود سه سال این اثر تبدیل به نسخه‌ای بسیار با ارزش شد که هم‌اکنون در کتابخانه کاخ گلستان موجود است.

حسینعلی خان معیرالممالک در زمان حیات خود و در سال ۱۲۷۴ هجری قمری (۱۲۳۶ هجری شمسی / ۱۸۵۷ میلادی) از ناصرالدین شاه تقاضا می‌کند که لقب معیرالممالکی به فرزندش دوستعلی اعطا کند، ناصرالدین شاه با این تقاضا موافقت می‌کند و از آن پس دوستعلی خان نظام الدوله لقب و منصب معیرالممالکی یا خزانه‌داری که شامل مسئولیت ضرب سکه و کنترل نقدینگی در گردش کشور بود را به عهده می‌گیرد. وی به دلیل لیاقتی که از خود به ناصرالدین شاه نشان می‌دهد اداره زنبورکخانه و تخت‌خانه و بیوتات را نیز عهده‌دار می‌گردد.

(۱) صنایع الدوله، محمدحسن خان (اعتمادالسلطنه): تاریخ منتظم ناصری، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، سه جلد، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۷۴۵.



• تصویر نقاشی شده از حسینعلی خان معیرالممالک که کتاب الف اللیله را در دست دارد



• دوستعلی خان معیرالممالک - نظام الدوله

دوستعلی خان نظام الدوله به کمک ثروت سرشار خانوادگی، با روشنی دید و به واسطهٔ علاقه‌ای که به هنرهای مختلف داشت توانست شرایط مساعدی را به لحاظ فراگیری انواع هنرها برای فرزندانش فراهم آورد (مقایسه کنید با فرزندان سایر رجال در همان محدودهٔ زمانی). این شرایط ویژه زمینه‌ساز علاقمندی گرایش فرزندان دوستعلی خان نظام الدوله به هنرهای مختلف شد، از جمله کارهایی که دوستعلی خان نظام الدوله انجام داد سکنی دادن میرزاغلامرضا اصفهانی خوشنویس به نام عصر قاجار در منزل شخصی خود بود که حکایت مفصل این همجواری را در جایی دیگر آورده‌ام، این امر باعث شد تا فرزندانش هنر خطاطی را از استادی فرا بگیرند که نامش در صدر هنر خوشنویسی ما می‌درخشد و آثار بسیار ارزشمندی از او به جا مانده است.

از دیگر اقدامات دوستعلی خان نظام الدوله در آموزش انواع هنر به فرزندانش، ساخت عکاسخانه در عمارت اندرونی منزل خود بود تا آنها این رشتهٔ جدیدالورود به ایران را نیز به‌خوبی بیاموزند. دوستعلی خان دوستدار شعر و ادب نیز بود و منزل وی محل رفت و آمد بسیاری از ادبا و شعرای آن دوران از جمله فروغی بسطامی و میرزا محمد محیط قمی متخلص به «محیط»، بود.

از اقدامات مهم دوستعلی خان بنای کاخ شمس‌العماره است. ناصرالدین شاه دستور می‌دهد تا کاخی ساخته شود که از بالای آن بتواند به تمام پایتخت اشراف داشته باشد.



• عمارت شمس‌العماره (نقاشی از آقابالا، ۱۲۴۵ ش)

دوستعلی خان در سال ۱۲۸۴ هجری قمری (۱۲۴۶ هجری شمسی / ۱۸۶۷ میلادی) در قسمتی از محوطه کاخ گلستان کاخی چندطبقه را با معماری داخلی بسیار مجلل بنا کرد، سپس آن را با اثاثیه بسیار زیبا و فرش‌های گران‌قیمت تجهیز کرد و به عنوان پیشکش به ناصرالدین‌شاه هدیه کرد.

دوستعلی خان نظام‌الدوله در سال ۱۲۸۶ هجری قمری (۱۲۴۸ هجری شمسی / ۱۸۶۹ میلادی) از ناصرالدین‌شاه تقاضا کرد تا لقب معیرالممالکی به فرزندش دوستمحمدخان اعطا شود، ناصرالدین‌شاه با این تقاضا نیز موافقت کرد و طی حکمی این لقب را به دوستمحمد نوجوان اعطا کرد.

دوستمحمدخان معیرالممالک فرزند ارشد دوستعلی خان بود و از جمله نام‌های ماندگار عهد قاجار است. این ماندگاری جدا از پیشینه تاریخی خانوادگی در دربار و اقدامات وی، به لحاظ ازدواجش با بانو عصمت‌الدوله، دختر ناصرالدین‌شاه نیز هست. وی از جمله افرادیست که با توجه به شخصیت و شرایط ویژه‌ای که از آن برخوردار بود، هم در دوران حیات خود و هم پس از آن، از جمله افراد تأثیرگذار شمرده می‌شود و از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معاصر برخوردار است.

دوستمحمدخان که علاقه‌ای به مناصب مشاغل دولتی نداشت عمر خود را به شکار و سفر و زمینه‌های مختلف هنری گذراند. از جمله این هنرها که دوستمحمدخان



• دوستمحمدخان معیرالمماک

به آنها می‌پرداخت می‌توان به عکاسی، خطاطی، نقاشی، نجاری، باغبانی و گل‌آرایی، موسیقی، شعر و ادبیات اشاره کرد.

دوستمحمدخان در حوالی سال ۱۳۰۰ هجری قمری (۱۲۵۲ هجری شمسی / ۱۸۷۳ میلادی) راهی سفری سه‌ساله شد که به اقامت طولانی او در فرانسه انجامید. او در طی این سفر با هنرمندان مطرح دوران آشنا شد که این دوره اقامت در بزرگترین مرکز هنری دنیا و مراوده با بزرگان هنری اروپا باعث شد تا دوستمحمدخان با دیدی کاملاً متفاوت به ایران بازگردد، تأثیر این سفر در روش زندگی، کارها و عمدتاً در عکس‌هایی که از ایشان به جا مانده کاملاً چشمگیر است. زندگی هنری دوستمحمدخان معیرالممالک شاخه دیگری از تحقیقات من درباره ایشان است که باید جداگانه و با جزئیات کامل به آن پرداخته شود.

دوستمحمدخان نیز که به پرورش فرزندانش اهمیت بسیار می‌داد در برگشت از پاریس برای همسر و دخترانش پیانو و معلمی فرانسوی به همراه آورد. خانم معلم فرانسوی مسئولیت آموزش پیانو و زبان فرانسه را به فرزندان دوستمحمدخان برعهده داشت.

دوستمحمدخان به باغ‌آرایی و گل‌کاری بسیار علاقمند بود و باغ مهرآباد را که از املاک بانو عصمت‌الدوله بود به زیبایی چشمگیری طراحی و پرورش داده بود به



• دوستمحمدخان معیرالمماک

گونه‌ای که ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه هر کدام در بازدید از مهرآباد زیبایی این باغ را تحسین کردند. در چند متن به جا مانده از آن دوران نیز مطالبی دربارهٔ زیبایی و منحصر بفرد بودن باغ مهرآباد آورده شده است.

دوستمحمدخان به همراه خود تخم انواع گل و گیاه را به ایران آورده بود و در باغ مهرآباد پرورش داد. بسیاری از سبزیجات و گل‌هایی که امروزه برای ما بسیار عادیست حاصل کوشش و پرورش و تکثیر وی است. گوجه‌فرنگی از جملهٔ این محصولات است.

دوستمحمدخان با هنرمندان، خوانندگان و نوازندگان دوران ارتباط نزدیکی داشت و به واسطهٔ داشتن دستگاه فونوگراف توانست برای نخستین بار صدای این خوانندگان و نوازندگان را ضبط کند و برای ما به یادگار بگذارد. این صداها به همت دکتر ساسان سپینتا بازیابی شده‌اند.

دوستعلی پسر ارشد دوستمحمدخان نیز از جمله افراد مطرح دوران خود بود و به نام‌های دوستعلی معیرالممالک، دوستعلی معیری و اعتصام‌السلطنه از او یاد شده است.



• دوستعلی معیری - اعتصام السلطنه

دوستعلی معیری نیز همانند پدر و عموهایش دستی در خوشنویسی داشت و از کودکی به نقاشی علاقمند بود. وی در مدرسه دارالفنون درس خواند و سپس به خدمت نظام در آمد. دوستعلی معیری در سال ۱۹۰۰ و به بهانه نمایشگاه بین‌المللی پاریس رهسپار فرانسه شد و در آنجا به جستجو درباره نقاشی پرداخت اما اثری از مکتب امپرسیونیسم که در آن سالها در غرب رایج شده بود در کارهای او نمی‌بینیم. آثار به جا مانده از دوستعلی معیری واقع‌گرایانه هستند، سبکی که از ابتدا نقاشی را با آن و به روش خودآموز آغاز کرده بود.

از آنجا که دوستعلی معیری نیاز مالی نداشت و نقاشی را به عنوان یک سرگرمی دنبال می‌کرد، آثارش را به فروش نمی‌رساند به همین دلیل در میان هنرمندان اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی کمتر نامی از او به میان آمده است اما آثار به جا مانده از او بیانگر تکنیک و تصویرپردازی ممتاز او است و از جمله آثار کمیاب آن دوره محسوب می‌شود.

از دوستعلی معیری چند کتاب و مجموعه مقالاتی به چاپ رسیده که بی‌شک در آشنا کردن ما با وقایع و شرایط دوره قاجار بسیار با ارزش هستند.